

بادمجان بم آفت ندارد

مؤلف :

محمود توحیدی

ناشر :

انتشارات ولی

توحیدی ، محمود

بادمجان بم آفت ندارد / مولف محمود توحیدی .-- تهران : ولی .

. ۱۳۸۵

ISBN 964-96425-7-9

. ۱۳۵ ص

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

۱. کرمانی--واژه‌نامه ها . ۲. کرمانی--اصطلاحها و تعبیرها . ۳.

ضرب المثلهای کرمانی . ۴. شعر عامه کرمانی . الف . عنوان .

۸ فا ۲

۹ ت ۷۳ ک / PIR۳۰۲۲

۸۲-۳۸۶۸۲ م

کتابخانه ملی ایران

عنوان کتاب : بادمجان بم آفت ندارد

نام مولف : محمود توحیدی

حروف چیتی و صفحه آرایی : ندا غلامرضا بیگی

طرح جلد : مجتبی یزدانی‌پناه (موسسه بوتیا)

ناشر : انتشارات ولی

تیتراژ : ۲۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی : معراج

شابک : ۹-۷-۹۶۳۲۵-۹۶۴

چاپ اول : ۱۳۸۵

فهرست

پیشگفتار	۱۱
فصل اول	۱۳
گویشهای محلی	۱۳
کلید آوا گذاری	۱۵
فصل دوم	۸۳
ضرب المثلها	۸۳
فصل سوم	۱۱۹
اشعار محلی	۱۱۹
زبان حال همشهری های دور از وطن	۱۲۱
دو بیتی های محلی	۱۲۱
چند دو بیتی از نگارنده:	۱۲۳

مقدمه ناشر:

دگرگونی در عرصه‌های مختلف جهانی آنچنانست که به عقیده برخی صاحب‌نظران، هر یک ماه با ده سال گذشته و شاید بیشتر، برابری دارد، یعنی آنچه در طول این زمان می‌گذرد، با ده سال درگذشته برابری می‌کند. طبیعی است که در این هگامه سرعت و تغییر، همه چیز زیر و رو، و با آمدن «نو» به بازار، کهنه دل آزار و به عقب رانده می‌شود. حضور وسیع و گسترده رسانه‌های جمعی و گرایش عمومی به خواندن و دیدن و شنیدن، و بهره بردن از این مجموعه‌ها، که خود جدای از بیان فوق نیست و گویش و لهجه واحدی را القاء می‌کند به این تغییرات کمک شایانی کرده و در این میان پدیده‌هایی را تحت تأثیر قرار داده که یکی از مهمترین آنها گویش‌های محلی - لهجه‌های بومی، و واژه‌های مورد استفاده نسل گذشته است، آنطور که اگر بگوئیم فرزندان امروز در برخی موارد با اصطلاحات پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها بیگانه هستند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم، بدتر از آن اینکه گاه آن لهجه و گویش مورد تمسخر و دستاویز عده‌ای قرار می‌گیرد تا با آن خنده‌ای بر دل بنشانند غافل از اینکه آنچه در این رهگذر حاصل می‌آید، گریه‌ای است از عمق جان آنانکه به فرهنگ، سنت‌ها و موارث فرهنگی عشق می‌ورزند و آن را چون جان شیرین گرامی می‌دارند، چرا که گویش‌ها و لهجه‌های محلی، نشانی از رده‌های تاریخی هر ملت بشمار می‌رود، پدیده‌ای که طی قرن‌ها، از گذرگاه‌های مختلف عبور کرده، غراز و فرودهای را پشت سر گذارده، و زیب و زیور فرهنگ‌ها شده است.

بر این اساس تلاش همه کسانی که در راه حفظ و حراست از این دستاورد مهم و ارزشمند گام می‌دارند، ستودنی و قابل تقدیس است، زیرا تردید نیست که اگر اقدام اخیر، دایره بر جمع آوری و انتشار مجموعه‌هایی اینچنین صورت نگیرد، دیر یا زود، این گهرهای گرانبها در غبار تاریخ گم شده و اعتبار دیگری را از ما سلب خواهد کرد.

خدا را شاکر و سپاسگزاریم که ما را توفیق داد تا سهم اندکی در حفظ و حراست و پاسداری از گویش کهن سرزمین بم داشته و با انتشار مجموعه ارزشمند جناب محمود توحیدی رسالت خویش را به انجام برسانیم. بومی بودن ایشان و آشنائی کامل با گویش و لهجه بمی و اصطلاحات و تعبیری که بکار می‌رود، و نیز حضور سالیان دراز در عرصه فرهنگ و آموزش و پرورش و برخورد با افراد و گروه‌های مختلف، و علاقمندی نامبرده به فعالیت‌های فرهنگی، موجب شده تا این مجموعه از وزانت و ارزش قابل توجهی برخوردار گردیده، و به عنوان اثری ماندگار درآید.

در پایان به روح تمامی زنان و مردان و کودکانی که در جریان زلزله پنجم دیماه ۱۳۸۲ جان باختند و غمی جانکاه بر دل‌های هموطنان، بل اهل جهان نهادند درود می‌فرستیم و از خدای رحمان برای تمامی این عزیزان رحمت و واسعه و آمرزش و مغفرت آرزو داریم.

سید محمدعلی گلابزاده

بهار ۱۳۸۵

مقدمه

خدای منان را شاکر و سپاسگزارم که به حقیر توفیق و عنایتی فرمود تا مجموعه‌ای تحت عنوان گویش‌ها، ضرب المثلها و ترانه‌های محلی به نام «بادمجون بم آفت نداره»

که جای آن در فهرست گویش‌های محلی استان پهناور کرمان در انتشارات مرکز کرمان‌شناسی خالی بود جمع‌آوری و تقدیم حضور علاقمندان و همشهریان عزیزم نموده و شاید انگیزه یا وجه تسمیه نامگذاری آن از این جهت باشد که مفهوم این ضرب‌المثل مشهور برای عده‌ای از میهمانان که از اطراف و اکناف و از اقصی نقاط ایران و جهان مشتاقانه به دیدار ارگ می‌شتابند نامفهوم است که در پاسخ باید گفت بوته بادمجان در شهرهای سردسیری و گرمسیری علیرغم اینکه یک فصل بیشتر ثمر نمی‌دهد در شهر بم به علت اعتدال هوا تا سه سال ثمر می‌دهد و به آن بادمجون دارک گویند.

ز هجرت بیش از این طاقت ندارم	به سو گندم و قسم حاجت ندارم
مرا ماندن در این دنیا چه حاصل	چو بادمجون بم آفت ندارم

«توحیدی»

اگر چه بطور شاید و باید از عهده این کار برنیامدم و حق مطلب را آنچنانکه در خور موضوع بود ادا ننمودم اما تکامل آن با آیندگان است.

و بقول مولوی:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

در اینجا لازم می‌دانم از همسر باوفا و فرزندان مهربانم که چندین ماه سکوت مرا در جمع‌آوری این مطالب در منزل تحمل نمودند با خلوص نیت سپاسگزاری نموده و از کسانی که در این راه طولانی حتی در جمع‌آوری تک واژه‌ای مرا یاری فرموده‌اند مراتب سپاس و امتنان را بجای می‌آورم.

و از آقایان مهندس فرزاد امیرزاده و محمدعلی دسترس، دوستان خوبم

که در تکامل این مجموعه خالصانه زحمت آواگذاری آنرا به عهده گرفتند از جان و دل سپاسگزاری نموده و در پایان جا دارد از دست اندرکاران مرکز کرمان شناسی که با نشر و انتشار کتب تاریخی و فرهنگی این خطه دیرپای را احیاء فرمودند مخصوصاً از زحمات مدیر اجرایی آقای مجید جاوید و خانم ندا غلامرضایی که صفحه آرایی این مجموعه را به عهده گرفتند تشکر و قدردانی نمایم و توفیق و تعالی همه عزیزان را از خداوند متعال آرزو می‌نمایم.

محمود توحیدی

پائیز ۱۳۸۴

پیشگفتار

شهر بم یکی از قدیمی ترین مراکز شهرنشینی ایران بوده و شاهد این ادعا تپه های تاریخی بیدران و تل آتشی دارستان که متعلق به هزارهای دوم تا چهارم قبل از میلاد مسیح می باشند ضمناً این منطقه با توجه به اعتدال هوا و برداشت انواع محصولات سردسیری و گرمسیری مخصوصاً دو گیاه سنتی و آرایشی (حنا، وسمه) که کاربرد قابل توجهی در صنعت نساجی و رنگرزی داشته و یکی از مراکز مهم تجاری دنیا در ازمنه گذشته به شمار می رفته، زیرا از طرفی این کالاها با کاروانها به طرف هند و از جهتی به حلب و اسکندرون به رم و از سوئی از طریق جبرفت و کهنوج و بندرعباس به دریای خلیج فارس و سایر نقاط جهان مرتبط بوده.

بنابراین شهر بم از فرهنگ و تمدن قدیمی و کهن برخوردار بوده و با توجه به آمد و شد ملل مختلفه با ادیان خاص این خطه دیرپای با مردم خونگرم و میهمان نوازش دارای گویشها و ضرب المثلهای پر محتوا بوده و هم اکنون هر منطقه و هر شهر آن نه تنها دارای گویشهای خاصی است بلکه بعضی از محلات قدیمی که حتی در جوار هم قرار دارند گویشهای متفاوتی دارند و چنانچه بخواهیم در این زمینه تحقیق نمائیم سالها وقت لازم دارد و «مثنوی هفتاد من کاغذ بود» لذا حقیر که نیم قرن زندگی خود را در این شهر سپری نموده و بین دو نسل جدید و قدیم بسر می برم لازم دانستم به جمع آوری گویشها، ضرب المثلها و تعدادی از ترانه های محلی بسنده کرده و اگر چه این کار را در وسع و توان خود نمی دیدم شاید انگیزه ای باشد برای دیگران تا مناطق و شهرهای دیگر دارای چنین فرهنگی با لهجه های شیرین مخصوص به خود شوند و اصالت کلمات و شیرینی لهجات و پرباری ضرب المثلها به وادی فراموشی روزگار سپرده نشوند.

و برآستی چند سالی که مشغول به این کار شدم از مصاحبت مردم و یادداشت کردن گویش پیران سالخورده برایم لذت بخش بود چه بعضی از واژه های خود گویشی به

عنوان پیشوند و پسوند دارند که شنیدنش زیبایی خاصی را در بر دارد مانند: تروتنخوا، سرسزون، پول و پله جوی جندل، طلا یلا، سنگ سقاط، دندون گرت، دل مدلو، پیغوم پسغوم، صبا صاب، صاف سندا ضمناً کلید آواگذاری این مجموعه تنظیم گردیده تا واژه صحیح تلفظ شود و اصالت و زیبایی خود را از دست ندهد.

من الله التوفيق